

هندسه منطقه در پسا ۱۷ اکتبر به روایت دانشگاه

۳۰۴۰۵۰۶۰۱۴۰۱۵



نوستان‌تری پروانه خانم

مروری بر آثار خاطره‌انگیز بازیگر باوقار مرحومه معصومی از «امام علی (ع)» تا «ناخدا خورشید»

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی، صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان

فصل جدید رادیو مضمون:
روایت سال‌های جنگ

فرهیختگان



شماره مسلسل ۲۷۵۷
مستفبه ۷ آذر ۱۴۰۲
۱۴۰۳ خرداد ۱۳۴۵
۲۸ تیر ۲۰۲۳
شماره ۲۰۱۹

Vol.15 | No. 4019 | 16 Pages

با اعلام مرکز آمار نرخ رشد فصل دوم سال ۷.۱ شد، چرا این عدد مهم است؟

رشد اقتصادی تابستان بالای ۷ ماند



صفحه ۱۶

برای استمرار طولانی مدت آتش بس، صهیونیست‌ها باید تعداد بیشتری از اسرای فلسطینی را آزاد کنند

وقت تغییر معادله تبادل

۲

دانشگاه‌های دنیا نسبت به تحولات فلسطین چه واکنشی نشان دادند؟

فریاد مظلومیت فلسطین در دل دانشگاه‌ها

۱۶، ۱۵

یمن با حمله به اسرائیل و توقیف کشتی‌های تجاری صهیونیست‌ها نقش بزرگی در دفاع از مردم فلسطین ایفا کرد

خنجر یمنی تیزتر از همیشه

۷

ظهور پرویز ثابتی در دستگاه پروپاگاندا رسانه‌های فارسی‌زبان چه معنایی دارد؟

پای فاشیسم در میان است

وجود داشته و حال از بین رفته است. این نوع عمل باعث می‌شود مخاطب‌ها دیگر توان سوژگی و تخیل کردن برای خود را نداشته باشند، بلکه باید به صورت دستوری تن به آن تخیل مشترکی دهند که در پس آن خاطره‌سازی نوستان‌زینی صورت می‌گیرد که اهداف سیاسی خاصی دارد و نمونه بارز آن را می‌توان در پروژه تونل زمان و امتداد آن در مستند پرویز ثابتی مشاهده کرد که از طریق شبکه منو تو دنبال می‌شود؛ هر چند این مستند و مستند‌های تونل زمان را باید همان‌طور که گفته شد در راستای شکلی از فاشیسم رسانه‌ای که از این شبکه دنبال می‌شود، مورد دقت قرار داد. اما باید توجه کرد که این ماهیت وضعیت ما است که باعث شده این عناصر با تفکرات فاشیسم‌گونه خود بتوانند خود را بروز دهند و مهم‌ترین راه مقاومت و مقاله در برابر چنین وضعیتی ورود به عرصه حقیقی بازخوانی تاریخ معاصر به صورت انتقادی است. در غیر این صورت در آینده نزدیک باید شاهد گسترش موجی از افکار فاشیسم که نه تنها تاریخ با تخیل فاشیسم‌گونه بیان می‌کند، بلکه با توجه به ماهیت اکنون ما، خود را موفق‌ترین افراد یا نسل‌های تاریخی معرفی خواهند کرد.

نتیجه‌گیری

ساخت مستند تونل زمان و ایضا پرویز ثابتی به ما نشان می‌دهد در چه اتمسفر بدی قرار داریم؛ اتمسفری که اکنون ما را علیه حقیقت کرده است. حال همان‌طور که میشل فوکو از پرسشی از وضع ماهیت دوره خود به دنبال احیای نوعی مقاومت در برابر بی‌حقیقتی بود و راه آن را با زنگشت به معنویت و سیاست می‌دانست که تحت تاثیر انقلاب اسلامی شکل گرفته بود، برای ما هم اهمیت دارد که مجدد تلاش کرده در مقابل وضعیت سخت فعلی مقاومت کنیم و رسانه‌های خود را نه صرف در موقعیت واکنشی قرار دهیم، بلکه بیشتر حالت کنشی را به حرکت درآوریم؛ چراکه در جهان فعلی حلقه‌های فاشیسم‌گونه و پوپولیستی به علت آنکه از طریق دزدیدن تخیل جوامع، توانسته آنها را به سمت غیر حقیقی فکر کردن وادار کنند لحظه به لحظه کار مشکل تر خواهد شد و لزوم واقعی آن توجه به تاریخ، رسانه و سیاست در کنار یکدیگر است تا مجدد افق عقلانی در سطح مپیهر عمومی عمق بگیرد و از این طریق مانع آن شویم که شبکه‌های فارسی‌زبان تخیل سوژه‌های جامعه ما را به سمتی هدایت کنند که خروجی آن احیای مجدد فاشیسم است.

باعث می‌شود مطلق درونی رسانه‌ها به جای روشنگری به نوعی پروپاگاندا برای جذاب نشان دادن اعمال خشن یا حتی وحشتناک سوق پیدا می‌کنند، به نوعی که هر چند مخاطب باید از اعمال و رفتارهای فردی مثل پرویز ثابتی و دستگاه سرکوبی مثل ساواک ابراز انزجار کند اما در لحظه‌ای هم‌نوا با این شرایط، اعمال فردی مثل ثابتی را عملی جذاب صورت‌بندی می‌کند، به گونه‌ای می‌توان بیان کرد که کارکرد وضعیت حاد سفیدشویی ساده‌یک‌فرد نیست، بلکه جذاب نشان دادن تمامی اعمالی است که تاپیش از این به شدت مغضوب افکار عمومی بوده است. حال که تا حدودی مشخص شد وضعیت اکنون ما چیست، شاید بهتر بتوان متوجه شد ظهور فردی مثل پرویز ثابتی که یک نمونه امنیتی خاص در سطح رده بالایی مثل ریاست ساواک بوده است در این مقطع چه معنایی دارد. پرویز ثابتی و تیم رسانه‌ای منو تو خوب می‌دانند فقط در موقعیت اکنون است که می‌توانند با فرمی که به خودشان می‌دهند از دوره فعلی نهایت استفاده را کنند و مسیر را شکل دهند که مخاطب تصور کند آنها در حال بازخوانی حقیقی تاریخ هستند. حال آنکه آنچه ثابتی می‌گوید بیشتر نوعی خاطره‌سازی نوستان‌زیک بر اساس طرحی است که از قبل تر در شبکه منو تو به نام مستند «تونل زمان» رقم خورده است. آنچه در مستند تونل زمان معروف بود، تپه کردن امر تاریخی یا تاریخ به مثابه امر علمی بود. آن مستند به صورت گزینشی سعی می‌کرد حافظه جمعی را ایجاد کند که بسیار نزدیک به زندگی روزمره انسان‌های خوشبخت باشد که در مقطعی از زمان زیست می‌کردند و گویی همه چیز وجود داشته، رفاه و آسایش فراهم بوده است و این عناصر تندرویی بودند که باعث شدند جامعه یک زندگی نرمال را از دست دهد. این براسات‌ها دقیقاً براساس همان دو فاکتوری که در بالاتر گفته شد، شکل گرفته است. حال مستند «پرویز ثابتی» را هم باید در راستای رد پای ظهور فاشیسم رسانه‌ای فهم کنیم، شاید پرسش شود که این مستند با توجه به ماهیت فعلی چه ارتباطی به فاشیسم دارد؟ فاشیسم درحقیقت دو عمل مهم دارد: عمل ابتدایی آن تخیل کردن به جای سوژه‌هاست یعنی تخیل کردن را از سوژه‌ها می‌گیرد و این عامل باعث بروز دومین عامل می‌شود و شاید مهم‌ترین عامل است که در باب مستند ثابتی و تونل زمان صدق می‌کند. این عامل در واقع از بین بردن حافظه تاریخی است یا بهتر گفته شود مانع از شکل‌گیری خاطره خاص می‌شود و مغزشویی و بی‌واری را شکل می‌دهد که در این مغزشویی تاریخ تبدیل به تعدادی خاطره واحد می‌شود که در گذشته

کرده بودند. اما مساله صرفاً مورد تایید اهل فکر غربی نبود؛ هر ایرانی در آن مقطع با اتمسفری که ساواک رقم زده بود آشنا بوده و خوب می‌دانسته ساواک مصادف با نوعی سرکوب شدید است. نکته جالب توجه در باب خشونت وسیع ساواک را باید در همان گفت‌وگوی فالاجی و به نوعی از آن عبور می‌کند یا در قسمت دوم مستند پرویز ثابتی. ثابتی خیلی ساده ادعا می‌کند آنها در عراق قصد کودتا داشتند و خیلی راحت دست به ترو می‌زدند یعنی اعمال خشونت‌بار ساواک خیلی قابل چشم‌پوشی نیست. اما باید به پرسش اصلی بازگشت که ماهیت اکنون ما چیست؟ که شبکه منو تو یا وقاحت تمام از فردی که حتی سال‌ها در غرب مخفیانه زیست می‌کرده است، قصد دارد فرشته نجات خلق کند؟ وضعیت اکنون دو اتفاق جدید را به خوبی نمایان کرده که به نوعی باعث شده است رسانه‌های فارسی‌زبان روی این دو اتفاق حساب کنند.

عصر پسا حقیقت

ما در عصری هستیم که حقیقت دچار جدل بایی معنایی است، این جدل به جهت آنکه در دوره‌ای هستیم که شتاب فزاینده وجود دارد، به سرعت به برتری بی معنایی ختم می‌شود. در کتاب دانشنامه کمبریج، تعاریف مختلفی برای پسا حقیقت وجود دارد، اما یکی از تعاریف با اهمیت این است که در عصر پسا حقیقت باورها و احساسات شخصی از فاکت عینی بیشتر تاثیر پذیر است؛ این تعریف به خوبی نشان می‌دهد اگر رسانه‌ها بتوانند از طریق احساسات مخاطب و شکلی از نوستان‌زینی سازی اقدام کنند، می‌توانند واقعیت‌ها را به نوعی وارونه نشان دهند و این نکته در بروز سفیدشویی فردی مثل پرویز ثابتی بی تاثیر نیست.

عصر فرا واقعیت یا وضعیت حاد

در وضعیت فراواقعیت یا وضعیت هایپرنالیته مساله واقعیت دیگر معنایی ندارد. آنچه به عنوان واقعیت ساخته می‌شود یا باید بازنمایی شده به شکلی خود واقعیت معرفی می‌شود. در اینجا مساله وضعیت حاد پدید می‌آید که در پس فراواقعیت شکل می‌گیرد. وضعیت حاد واقعیت به تعبیر بودریار، فضایی است که همه اعمال دچار افراط می‌شوند و این افراط در اتمسفر

سید جواد نقوی
نخبرنگار گروه ایده حکمرانی

«مردم تنها زمانی توانایی پیش‌بینی آینده را دارند که با آرزوهای خودشان منطبق باشند و فاکت‌های به غایت آشکار را اگر با میل‌شان منطبق نباشد رد می‌کنند.» جورج اورول

میشل فوکو درباره وضعیت جهان می‌گوید اولین پرسشی که باید مطرح شود پرسش از ماهیت اکنون است؛ چراکه ماهیت اکنون نشان می‌دهد ما در چه دوره‌ای زیست می‌کنیم و وظیفه روشنفکر و فیلسوف در مقابل جامعه و تحولات آن چیست؟ این پرسش به گونه‌ای نشانگر فرم تفکر در هستی است که در بزرگ‌نمایی پیش‌های دیگری است اما تا حدود زیادی نشانگر شرایط اجتماعی هر عصری می‌تواند باشد، چنانچه خود فوکو در هنگام این پرسش معتقد بود حقیقت دیگر معنی گذشته خود را از دست داده است و حقیقت در مقام به معرفت تعبیر نمی‌شود، بلکه این معرفت است که در خدمت قدرت است. بنابراین ماهیت اکنون نفوذ هم جنبه قدرت در امر شخصی انسان‌هاست و همه آنها را به انقیاد خود در آورده است. حال پرسش از اکنون ما معنا پیدا می‌کند؟ اکنون ما در چه وضعیتی است که فردی مثل پرویز ثابتی خود را به عنوان ناجی ایران و عصری عقلانی معرفی می‌کند؟ آیا ما در عصر هک شدن تاریخ هستیم و براسات تاریخ برگرفته از آنچه رسانه‌های خاصی طلب می‌کنند قرار دارد؟ شما به عنوان مخاطب کافی است مصاحبه اوربانا فالاجی خبرنگار معروف دهه ۷۰ میلادی را با محمد رضا شاه یک بار گوش دهید یا متن آن را مطالعه کنید. فالاجی در مصاحبه با زیرکی از وضعیت دهشتناکی که ساواک در آن مقطع رقم زده است، پرسش می‌کند و حتی به طنز می‌گوید این پرسش‌ها باعث نمی‌شود او شکنته شود؟ پرسش فالاجی یک پرسش ساده نیست، وضعیت بحرانی‌ای که ساواک و شاه با افکار پرویز ثابتی شکل داده بودند، در سیطره ایران فقط معنا پیدا نمی‌کرد. حجم سرکوب و شکنجه ساواک به قدری وسیع بود که جامعه جهانی هم به خوبی از این رفتارها آگاه بودند. هیچ‌کس در دل تاریخ نمی‌تواند اعمال ساواک را تایید کند و اصلاً هیچ منطقی به رفتارهای ساواک مهر تایید نمی‌زند. در همان دهه ۷۰ میلادی در غرب که حامی رژیم پهلوی بود این رفتارها را نوعی بازگشت به قرون وسطی معنی می‌کردند و بسیاری از روشنگران غربی بیانیه‌هایی علیه این سرکوب‌ها امضا

“مضمون”



فصل جدید رادیو مضمون منتشر شد!
رادیو مضمون، کاری از گروه پادکست‌های
همیشه در میان و روزنامه فرهیختگان
@radiomazmoon

روایت
سال‌های جنگ